

سید بشیر بهمن

به پیشواز بیست و هفتمین سالروز شهادت رفیق بهمن (۱۳۶۰/۴/۱۲) ؛
یک تن از اسطوره های مقاومت جنبش کمونیستی افغانستان و رفقای
شهید سازمان تسلیم ناپذیر " ساوو " . تقدیم شان باد این سروده .
کبیر توحی تورنتو (۲۰۰۸/۶/۲۰)



بهمن (۱)

ای گشته نام نامی ات
درج کتیبه زمان
درستایشت چه نارسایم من .
ای جایگاه اسطوره مقاومتت
بلندتر از پرواز عقابان در سپهر نیلگون
که از آن اوج ها ، از آن رفعتگه زیبا
نظاره گر جنگ زاغ وزغن و کرگس و کفتارند
بر سر دریدن سرزمین خونین پیکرمان .
در ستایشت چه نارسایم ، من

ای تو در زندان،
ای تو در میان کام و دندان
(دندان اژدهای هزار دهان)
در لحظه های زودگذر
در لحظه های دیر پای
و در لحظه های انجماد سلولستان قیرگون
هزاران بار،
الماس تن و پیکرت جویده می شد .
تا بشکنند و بکشند و باز هم بشکنند

قامت استوار و بلندت

که نه شکست قامتت و خم نشد گردنت.
دشمنان کردند فتنه ها، و نشستند به تدبیر
از برای فرو بردنت، در مرداب " تسلیم ... " .

ای فرجادِ باورمند به امر رهایی انسان درد مند
- از اسارت یوغ خونین سرمایه -
که تهمتنت خواندند "رهزان موطلا" ؛ (۲)
و دژخیمان سیه روی فروخته سر
کشیدندت به بندی دیوار و حلقه و قفل و در
و باز هم قفل و بازهم حلقه و بازهم در .
و جلادان ؛ چه بی مهابا می ریختند
در هر پیچ و هر تاب عضله های ورزیده ات
مذاب غل و زنجیر را
و می خواستند بر بایند از کنجینه اسرار نهانت
رمز و راز " لعل شب چراغ " پنهانت (۳)
و تو، ای اسطوره استوار مقاومت ها
که در برابر هر پرسش ،
در برابر هر خواست مزدوران دشمن
- دشمن مهاجم از آنطرف " آمو دریا " -
افشاندی بر منحوس چهره های کریه و کرگی شان
تف و تف ، و باز هم تف
که نمی ارزیدند به تف .

و ز شکنجه هایت که تصویرگرش نتوانم شد،
چه بگویم که نارسایم ، من .
از چوکی چرکین - آغشته به دلمه های خون -
که چون تو ،
بستند هزاران جنگاور سوگوار و خونین تن مقاومت را

باتسمه و حلقه و زنجیر
از برای " شوک " های " الکتریک "
و ؛ اما ،

تورا ؛ با " ولتاژ " بس بلند
" ولتاژ " ی که اتصال آن بر جانت
لرزاندت و تکاندت و کف آورد بر دهانت
؛ مگر دشمن زبون (شرمسار)
حرفی نشنید از زبانت .

باز برق و برق و باز هم برق
نبودت بیمی از برق و مرگ
که از خروش خون هر رگ ایمانت
بر می خاست آذرخش آرمانت ،

بهمن !

گفته ات آمد بیاد :

« " شورش بر ضد اشغال ، برحق است در هر کجا " »
ببین ، ببین ، که مفهوم نام پرشکوهت
جاریست در بستر نبرد کار با سرمایه
هم در آغاز و هم در زندان و هم اکنون که در کشورت ،
برضد تطهیر و تقدیس تجاوزگران امریکا
آشوب و شور و شراره شده بر پا .

* * * * *

(۱) - « بهممن (سید بشیر بهممن) عضو کمیته مرکزی سازمان انقلابی و طن پرستان واقعی (" ساوو ") بود. وی از چهره های محبوب و سرشناس جنبش انقلابی [کمونیستی ضد امپریالیستی و نوکران اخوانی آن]، و ضد سوسیال امپریالیستی و عمال پرچی - خلقی - [وسازایی آن، و ضد طبقات حاکمه] و سایر مرتجعان دیگر به شمار می رفت . هنگامیکه محصل پوهنخی (دانشکده) حقوق بود (۱۳۴۷) . به خاطر فعالیت های سیاسی محکوم به چهار سال حبس در زندان معروف دهمزنگ کابل گردید. بعد از سپری نمودن زندان، پوهنخی حقوق را [در پوهنتون (دانشگاه) کابل] به اتمام رساند. در وزارت عدلیه مشغول کار شد.

بهمن هشت ماه بعد از تجاوز ارتش اشغالگر روس به افغانستان ، به تاریخ چهارم سنبله ۱۳۵۹ با سه تن از همزمانش توسط خادی های مزدور دستگیرشد، و به تاریخ دوازدهم سرطان ۱۳۶۰، با پنج همزنجیرش (شهید استادمسجدی ، شهید انجنیر لطیف محمودی ، شهید یونس زریاب ، شهید شیر علم و نجیب) : اعدام گردید. [این کمونیست نامورکشور] در زیر شکنجه های وحشیانه جلاخان خادی آموزش دیده در شوروی [که به دستور مشاوران نظامی روسی، بر پیکر پولادینش تمرین می شد] حماسه آفرید. هیبت و صلابتش در جریان شکنجه، پشت KGB و چاکران خلقی - پرچمی اشرا به لرزه در آورد. چنانچه دژخیمان خاد [که در برابر زندانیان یک دیگر شان را " لا لا " صدا می زدند] نالش کنان به همدیگر می گفتند : « لا لا، چوب سر آب را هر چه می زنیم زیر نمی نشیند ». و جلا د دیگر [از جمله قیوم صافی] شکوه کنان می گفت: «...هر دفعه که از او سؤال می کنیم به روی ما تف می اندازد...».

بهمن بار ها تأکید می کرد که اخوان دهها بار سفاکتر و میهن فروشتر از خلقی ها و پرچمی هاست ؛ حتا لحظه ای از مبارزه به ضد آنان نباید غافل شد.

" افسوس که بهمن زنده نماند تا به چشم واقعیت آنچه را بر زبان رانده بود مشاهده می کرد و با استواری بی نظیرش علیه خاینان بنیاد گرا نیز حماسه می آفرید " .

[درختم یاد دشت از این قلم در مورد بهمن، جمله اخیر (" افسوس که بهمن ... ") از جانب دوستی که سروده فوق را به سایت " به اشعار دشنه گون خوش آمدید " فرستاده بود، علاوه شده، و نکات بین مربع قوس] در جریان چاپ این دفتر به زیر نویس اضافه گردیده است.] .

سالهاست که " عبور لحظه ها " در سایت وزین و پر محتوای (" به اشعار دشنه گون خوش آمدید ") بر قرار می باشد . مجموعه اشعار متن دفتر " عبور لحظه ها " بر روی سایت چریکهای فدایی خلق ایران (<http://www.fadaee.org/>) یا (<http://www.siahkal.com>) . سایت وزین (بابا) و (پیام آزادی) و ... نیز برقرار گردیده است .

(۲) - " رهزنان موطلا " : اشاره به اعضای (KGB) در نقش مشاوران نظامی شکنجه گاههای خاد و زندان ها در افغانستان

(۳) - " لعل شبچراغ " اشاره ایست به سازمان تسلیم ناپذیر (" ساوو ")